

اصول، مفقود، ادعای موجود

هشدار به آخرین ولیعهد

>مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند

یکسره بی اساس باشد ولی میتواند

کاملاً غیراصولی باشد<

بخش بیستم

مصاحبه مرد ۲۰ میلیونی... (۲)

امیرفیض- حقوقدان

هدف وانگیزه از مصاحبه

قبل از اینکه قسمت ۱۹ این تحریر ادامه یابد، لازم بنظر میرسد که علت ترتیب دادن مصاحبه با مرد ۲۰ میلیونی تشریح شود. زیرا مصاحبه بطور کلی برای دسترسی به یک هدف است. وانگیزه مصاحبه، وجاهت دادن و جا انداختن آن هدف میباشد. هر مصاحبه ای متشکل از مراتبی است که برخی در سوال و جواب مطرح میشود و برخی از ممارست در کل مصاحبه و رجوع به پس و پیش جریانی که ترتیب مصاحبه را لازم دانسته بدست میآید.

هدف وانگیزه از ترتیب دادن مصاحبه مزبور از سوی امید دانا و مرد ۲۰ میلیونی دو دستاورد است:

دستاورد اول - اتهام توهین به ملت

در حکم محکمه صحرایی اعلیحضرت به دشمنی با موجودیت ایران محکوم گردیده! ولی از آنجا که ایران بدون ملت فاقد معنای سیاسی است و برعکس آنهم وارد است، دشمنی با موجودیت ایران، نصف قضیه است؛ و تکلیف ملت با اعلیحضرت در آن حکم معلوم نشده است و از آنجا که ایران یک واحد جغرافیایی است، و ملت یک واحد سیاسی و فرهنگی و تاریخی است؛ لذا محکومیت اعلیحضرت به دشمنی با موجودیت ایران تامین کننده آن هدفی نیست که محکمه صحرایی و دست اندرکاران نامه هشدار به آن قانع باشند.

ترتیب مصاحبه امید دانا با مرد ۲۰ میلیونی برای تامین آن گمشده ای است که در محکمه صحرایی و حکم آن لحاظ نشده است یعنی رابطه شخص محکوم با ملت.

نقص مزبور را امید دانا در کنار مرد ۲۰ میلیونی تکمیل کرد چطوری؟ - اینطوری:

امید دانا پس از تجدید موضوع مصاحبه روزنامه الوطن با اعلیحضرت برای چندمین بار این نتیجه را گرفت:

>از آنجا که شاهزاده رضاپهلوی به مصاحبه کننده روزنامه الوطن درمورد نام خلیج که بکاربرده بود اعتراض نکرده لذا شاهزاده بکل ملت ایران توهین کرده است.<

اکنون با این اظهار نظر سر دسته محکمه صحرایی اتهام شاهزاده (آنها) تکمیل میشود در حدی که دیگر جای بحث و کلامی نیست؛ یعنی **اعلیحضرت هم به دشمنی باموجودیت ایران** و هم به قطع ارتباط معنوی با ملت ایران محکوم شده است.

زیرا توهین یکی از ابزار های قطع رابطه اعتمادی، تصدی مقام، همکاری، دوستی و صفای قلب است که بین توهین کننده و توهین شونده یک دیوار جدائی بوجود میآورد و سبب کینه و نقار و دشمنی میگردد که عاقبت آن هم معلوم نیست. شاید بتوان دستآورد مصاحبه بالا را نوعی حکم تفسیر محکمه صحرایی اعلیحضرت از طرف محکمه مزبور دانست که بوسیله امید دانا خوانده شد، محسوب کرد.

نا گفته نماند که متقابل مرد ۲۰ میلیونی نیز برای دلشادی **امید جانش**، عدم ملاقات و احوال پرسی <اعلیحضرت> با مهندس شیبانی و خوشبختیانی راهم بفال توهین گرفت.

یکی از ارکان توهین و تحقیر دیگران قصد است که باید احراز شود که واقعا عملی را که کسی مرتکب میشود و یا اظهاری که میکند با قصد تحقیر طرف است یا خیر. در غیر این صورت یعنی اگر عامل قصد منظور نشود هر عمل و یا اظهاری را میتوان به باب توهین گرفت.

این تحریر وارد این مقوله نمیشود که سکوت در مقابل روزنامه الوطن درمورد واژه خلیج یا عدم احوال پرسی اعلیحضرت از برخی ایرانیان هیچ ارتباطی به توهین به ملت ایران **ندارد** زیرا چنین بحث هائی برای مردم اهل اصول و اخلاق است که سوء نیت ندارند نه کسی که مانند **مار و عقرب** در فرصت نیش زدن مکرر است.



حاشیه = درجائی آمده که در برخی از جنگلهای آسیا یک نوع ماری دیده میشود که وقتی به انسان و یا حیوان نیش میزند برخلاف مارهای دیگر که بعد از حمله به طعمه و نیش زدن فرار میکنند این نوع مار در کنار طعمه خود مخفی میشود و هر از چندی یک نیش به طعمه زخم خورده خود میزند و آنقدر این عمل را تکرار میکند که خود مار میمیرد.

متاسفانه عمل امید دانا بسیار شبیه آن نوع مار است؛ با آنکه نیش اصلی و کشنده خودش رابه شاهزاده خودش زده ولی ول کن نیست؛ و مانند همان مار، در کمین نشسته تا در هر فرصتی یک نیش دیگری بزند؛ البته آن مار را نمیتوان گفت سادیسم دارد ولی این انسان هائی که مانند آن مار عمل میکنند متاسفانه سادیسم دارند (پایان حاشیه)

دستآورد دوم - خربار و باقلا بارکن

با دقت در ابعاد مصاحبه مزبور این توجه جلب میشود که هیچ مورد و یا موضوعی لازم نمیساخته که مرد ۲۰ میلیونی موقعیت اجتماعی و سیاسی داشتن ۲۰ میلیون پیرو را به خودش اختصاص و اعلام کند و با ذکر <تضمین میکنم> (در اظهارات مرد ۲۰ میلیونی) نشان از استحکام و دوام علقه رهبری خودش با ۲۰ میلیون پیرو را نشان دهد.

شاید هم خود مرد ۲۰ میلیونی میدانسته که غلو ناپاوری در این حد معقول نیست؛ و سبب خواری و ذلت و تمسخر او میشود، ولی در کارهای تبهکاری معمولاً اتهامات بزرگ را گردن کسانی میگذارند که از سایرین پخته تر و یا بیشتر تحت اراده رئیس تبهکاران است، و تبهکاران آن شخص را برای حفظ منافع خودشان سپربلا میسازند، کار و روشی که عیناً نسبت به مرد ۲۰ میلیونی در رابطه با محکمه صحرانی صورت گرفته است، خاصه آنطور که خود مرد ۲۰ میلیونی اظهار داشته اشکشان دم مشکشان است و خیلی زود هم گریه میکنند که چنین افرادی خیلی زود هم تحت تاثیر قرار میگیرند که گرفته اند.

دستآورد این مرحله

آنطور که اعلام شده صلواتی های معركة محکمه صحرانی اعلیحضرت، ۵۴ نفر بوده اند که یکی از آنها همین مرد ۲۰ میلیونی است، و از آنجا که چه در بیعت و چه در اعلام مخالفت و یا جنگ، لازم نیست که اهل و قبیله و پیروان افراد در بیعت و یا اعلام مخالفت همگی شرکت کنند و تنها شرکت رئیس قبیله کافی است و بیعت و یا مخالفت رهبر، عیناً منتقل به فرد، فرد پیروان آن رهبر میشود لذا به زعم دست اندرکاران محکمه صحرانی، پیروان رای محکمه صحرانی ۵۴ نفر نیستند بلکه بیست میلیون و پنجاه و چهار نفر میشود.

اگر سلطنت طلبان معتقد در مقابل این صحنه سازها و جلب کاری ها و محکمه صحرانی مقاومت نمیکنند و به فاش کردن آن همت نمینمودند، مطمئن هستم که آنها از این دروغ و غلو مرد ۲۰ میلیونی استفاده میکردند و بعد بقول معروف <خریبیار و باقلا بارکن>.

بنده پیشنهاد میکنم همانطور که آقای غریبی (هالک ایرانی) در ایستا گرام نشان داد که ۱۸۷ هزار پیرو دارد این مرد ۲۰ میلیونی هم برای رفع سوء تفاهم امثال بنده نمایشی عددی از پیروان ۲۰ میلیونی خودش بگذارد.

واما بعد

در تحریر قبل، موضوع اعتراض به اعلیحضرت در مورد برخورد با آقای مهندس شبیبانی و محل نشستن ایشان بود.

ریشه این اعتراض را باید در فرهنگ ما ایرانیان جست که همه کمبود هایمان اعم از مادی و معنوی و احساسی را از شاه متوقع هستیم؛ شادروان صادق هدایت نوشته است؛ «مردی را دیدم که چند نان زیر بغل داشت و مدام فحش میداد، سبب پرسیدم گفت؛ تقصیر شاه است که نانوا از وزن نان میدزدند». مستشرقین خارجی گفته اند: <در رفتاری های بزرگ همه چشمها بسوی شاه است> مصدق هم همین را گفته؛ تاریخ هم همین را گواهی میدهد. روزی که بنده با آقای مصطفی عرب صحت تلفنی داشتم یکی

از گلایه های ایشان از اعلیحضرت این بود که فلان افسر هوایی که در تیم آکروبات ایران شرکت داشت اکنون روغن اتومبیل عوض میکند و همچنین اشاره ای داشت به اینکه اعلیحضرت ۱۰ میلیون دلار و بقیه اش را صلاح ندانست که بگوید مقصود از این فتح باب این است که توقع محبت، احوال پرسی، انسان نوازی، کمک مادی، رفع گرفتاری و در نهایت امر نجات ایران در باور ایرانیان متوجه اعلیحضرت است بدون اینکه محظورات ایشان منظور گردد و یا ما محدودیتی در توقعاتمان قائل بشویم.

ولی زمانی که کسانی حکم میدهند که اعلیحضرت دشمن موجودیت ایران و هتاک به ملت ایران است دیگر هرگونه انتظاری از اعلیحضرت تناقض است >تناقض اختلاف بین دومی است که قبول یکی مستلزم رد دیگری باشد< نمیشود کسانی هم ولینعمت خودشان را دشمن موجودی ایران و هتاک به ملت بدانند و بر آن، حکم امضا شده هم بگذارند و باز از او مهربانی، احوال پرسی و در نهایت اقدام به نجات ایران بخواهند، این تناقض است. جمع این دو ممکن نیست، مانند وجود حاضر و غایب است همان است که ضرب المثل ما ایرانیان میگوید: <با پا پس زدن و بادست پیش کشیدن است> حکیم مولوی بیت معروفی در بیان موضوع تناقض دارد که میگوید:

قول و فعل بی تناقض بایدت تا قبول اندر زمان پیش آیدت

اگر کسی وطن پرست باشد و از فرط گرسنگی بی تاب گردد عرق ملی و وطن پرستی او مانع است تا از دشمن موجودیت ایران و دشمن ملت ایران درخواست قُرس نانی کند.

این حضرات که از یکطرف سعی در تثبیت دشمنی! ولینعمت خودشان با موجودیت ایران و تحقیر ملت ایران را دارند نمیتوانند چنین توقعاتی از دشمن موجودیت ایران داشته باشند؛ یا این و یا آن.

خلع و لبعهد

مرد ۲۰ میلیونی میگوید: <این بیانیه از طرف عاشقان ایران، ایران دوستان و وطن پرستان امثال بردیای عزیز نوشته شده، و این افراد که آنرا محکوم میکنند بجای اینکه بگویند >انتقاد کرده اند< میگویند ولبعهد را خلع کردند* و بعد همانند آنکه به کشف مهمی رسیده با پوزخند میگوید: <مگر ایشان سمتی دارند. این بیانیه را هیچکس نمیتواند توهین آمیز تلقی کند> مرد ۲۰ میلیونی در همین مختصر اظهارات سه بار از بردیا قلابی با افتخار نام برد.

خلع، عملی است که پس از ابراز بی اعتمادی ظاهر میشود و همان است که در سلسله مراتب اداری به خلع از مقام معروف است و در قضا به سلب حقوق اجتماعی شهرت دارد.

حکم محکمه صحرائی نسبت به متهم کلی است یعنی کلی است که تمام اجزا و مراتب آنرا متضمن است دشمنی با موجودیت ایران، متهم را از هرگونه حقوق اجتماعی تا حد محرومیت از حیات، مقید میسازد.

ادعای آنکه <مگر ایشان سمتی دارند> وارد نیست و از سر دل نازکی و اشکهای همیشه روان ایشان است، زیرا عنوان نامه <هشدار آخرین ولبعهد> است یعنی دائرکنندگان محکمه کسی رامحکوم به دشمنی باموجودیت ایران کرده اند که به او عنوان آخرین ولبعهد ایران داده اند و چون ماهیت و ذات این سمت با اتهام دشمنی با موجودیت ایران هماهنگی ندارد و متضاد است، لذا حکم محکمه صحرائی اول از آخرین

وایعهده سلب مقام وموقعیت وحتى نمادین کرده! وبعد ایشان را محکوم به دشمنی با موجودیت ایران نموده است.

(در محاکم اداری نیز اول از متهم سلب اعتماد (خلع اعتماد وامانت) میکنند، و بعد متهم محاکمه میشود. در محکمه صحرائی اسلامی نیز اول با قرائت آیاتی که خدا محبتش را از متهم سلب کرده است بعد حکم ارتداد را اجرا میکنند، در فلسفه بابی است که میگوید: <کسی که امین است متهم محسوب نمیشود> به همین دلیل است که افراد اول خلع اعتماد میشوند و بعد محاکمه میگردند.

ادعای عدم توهین

ادعای مرد ۲۰ میلیونی به اینکه ما توهینی نکرده ایم، این ادعا در متن حکم محکمه صحرائی ثابت است؛ زیرا حکم محکمه بر اتهام محکوم صادر شده ومحکومیت کلی است که توهین وتحقیر وامثال آنها را در خود دارد <چونکه صد آمد نود هم پیش ماست>.

در هیچ حکمی چه دادگاه صحرائی ارتش ویا دادگاه های کیفری دادگستری ویا حتی دادگاه شرع ضمن صدور حکم محکومیت، توهین به متهم دیده نمیشود، اما پس از صدور حکم محکمه است که سیل بی حرمتی به متهم آغاز میشود ودر هنگام اجرای حکم هم توهین واهانت وسنگ پرانی به متهم معمول صلواتی هاست (نمونه = دارکشیدن شیخ فضل الله نوری- رقص پسرش).

همین مسئله که عرض شد در رفتار محکمه صحرائی واعمال صلواتی ها بعد از صدور حکم، کاملاً دیده میشود بعد از صدور حکم دشمنی اعلیحضرت با موجودیت ایران بود که بردیا قلابی در تلویزیون فرامز فروزنده اعلیحضرت را پشه وعروسک نامید وبعد از اهانت های او بود که امید دانا در همین برنامه اخیر بقول معروف چاک دهانش را باز کرد آنها نسبت به همان کسی که امید دانا او را نماد ملی ایرانیان میداند، حتی تهدید به محاکمه اعلیحضرت هم کرد وبسیاری چیزهای دیگر. نمیگویم آنچه گفته است در شان خود امید دانا ست زیرا وزن اهانت وتحقیر با اهرم شخصیت انسان ها سنجیده میشود.

در تنگنای حیرتم از نخوت امید یارب روا مدار که گدا معتبر شود

وقتی برنامه را گوش کردم پیش خود گفتم چه دشوار است میان دیوانگان زیستن.

کاسه صبر

مرد ۲۰ میلیونی گفته است <کاسه صبرمان لبریز شد> اگر کسی کاسه صبرش لبریز شد باید حکم به محکومیت اعلیحضرت به دشمنی با موجودیت ایران بدهد؟ باید او را که خود مرد ۲۰ میلیونی در همین مصاحبه گفته است که <۶۰ میلیون ایرانی طرفدار شاهزاده است> به دشمنی با موجودیت ایران واهانت به ملت ایران محکوم کند؟ اگر فرزند مرد ۲۰ میلیونی به تذکرات پدرش توجه نکرد مرد ۲۰ میلیونی او را محکوم به اعدام میداند؟

کاش مرد ۲۰ میلیونی بجای ادعای ۲۰ میلیون انسان ۲۰ گرم انصاف داشت. مرد ۲۰ میلیونی در همین مصاحبه از بردیای قلبی که اعلیحضرت رابه پشه و عروسک تشبیه کرده تجلیل مینماید عبارت او چنین است:

>افرادی این نامه رانوشته اند، امثال بردیا پارس عزیز و سایر دوستان که ما به وجودشان افتخار میکنیم من به وجود امید دانا و بردیا پارس درود میفرستم.<

که درمنا میرسد به آنجا که مرد ۲۰ میلیونی هم همان شاهزاده ای را که ۶۰ میلیون ایرانی هوادار اوست پشه میداند و در نهایت میرسد به آنجا که آن ۶۰ میلیون ایرانی هم پشه تشریف دارند.

باز هم مرد ۲۰ میلیونی مدعی است که توهین نکرده ایم؟

بگوئید هستم یا نیستم

مرد ۲۰ میلیونی اصرار دارد که شاهزاده اش بیاید و بگوید هستم یا نیستم. از یک آدم مخبط و قاطی شده هم این حرف بعید است آخر کسی که محکوم شده به دشمنی با موجودیت ایران و همین مرد ۲۰ میلیونی هم یکی از صادرکنندگان این حکم است، چطور انتظار دارد که متهم بگوید هستم یا نیستم! مگر کسی که دشمن با موجودیت ایران شناخته شده میتواند هست باشد؟ هست باشد که چه بکند دشمنی اش را با ایران از قوه به فعل درآورد؟

دشمن با موجودیت ایران در قطبی قرار دارد که ایرانیان وطن پرست باید از شرش خلاص شوند نه از او بخواهند که هست باشد. دشمن با موجودیت ایران یعنی کسی که در هر جریان و فرصتی موظف و مقید است که به ایران صدمه و زیان های کاری بزند، آیا عقل سالم چنین تجویزی میکند که از او پرسیده شود که هست یا نیست؟

بازی شطرنج

مرد ۲۰ میلیونی جریان محکمه صحرائی را تشبیه به تخته شطرنج کرده میگوید؛ ما ایشان را کیش دادیم ایشان بیاید و ما را مات کند.

از فرآورده ها عقل ناقص، یکی همین است که حکم محکمه صحرائی را به کیش و مات تشبیه میکند، محکمه صحرائی حکم حذف شاهزاده خودتان را داده است، آنهم به اتهام دشمنی با موجودیت ایران. اینها کجا و بازی شطرنج کجا چرا نمیخواهید و بروی مبارکتان نمیآورید که نامه هشداریک نامه انتقادی نیست یک حکم محکومیت شاهزاده خودتان است.

بهرت است اهمیت حکم محکمه صحرائی در دشمنی با موجودیت ایران با قدری توضیح روشن شود.

حکم اعدام مکرر

در مقدمه حکم محکمه صحرائی، اتهام پافشاری ۱۰ ساله در نادیده گرفتن حق حاکمیت و استقلال و امثالهم را متوجه اعلیحضرت کرده است؛ این اتهامات در ماهیت خیانت کامل علیه استقلال و تمامیت ارضی و

موجودیت کشور است، و این بدان معناست که اعمال هریک از آن اتهامات برای یک مورد کافی برای صدور حکم اعدام است؛ حال اگر ۱۰ سال این تجاوز به حقوق حقه ایران ادامه داشته باشد و مورد اتهام هم ۴ مورد گرفته شود، که محکمه صحرانی هم در مقدمه حکمش آورده شاهزاده شما، در حکم مزبور حداقل به ۴ بار اعدام محکوم شده است. آری این هنرنمایی شماست آقای مرد ۲۰ میلیونی.

البته که ناتمام است